

شیوه تبلیغی پیامبر (ص)

غلامحسین مهدوی نژاد^۱

* چکیده

تبلیغات یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود که در طول تاریخ به شکل‌های مختلف از آن استفاده شده است. پیامبر اعظم (ص) نیز برای ابلاغ رسالت و تبلیغ تعالیم اسلام، اسلوب ویژه‌ای به کار گرفتند؛ که هدف از این پژوهش شناسایی و تبیین شیوه آن حضرت در امر تبلیغ می‌باشد. این تحقیق با مراجعه به منابع اسلامی و با روش توصیف و تحلیل انجام شده است. با بررسی و تحقیق در منابع اسلامی، اسلوب تبلیغی آن حضرت را می‌توان در عناوین زیر خلاصه نمود: هدف باوری، پایداری، پیشگامی در عمل، مدارا با مردم، عشق به هدایت، فرصت‌شناسی، مخاطب‌شناسی، زمینه‌سازی، نمایش زیباییها، بصیرت‌افزایی، تکریم مخاطبان و استفاده از نیروهای شایسته. همین امر سبب پیشرفت حقیقی و نفوذ در دلها شد و دین او را جاودانه نمود، بدون اینکه نیاز به بهره‌گیری از شیطنتها و خلاف شرع‌هایی باشد که بعضی مرتکب می‌شوند.



کلیدواژه‌ها: پیامبر، تبلیغ، شیوه، هدایت، دعوت.

* اهمیت شیوه‌های تبلیغی

تبلیغات یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود، که در جوامع بشری از اهمیت ویژه برخوردار است و همیشه مورد توجه بوده است. خداوند در قرآن کریم با عناوینی چون «انذار»، «ابلاغ»، «تبشیر»، «هدایت»، «ارشاد»، «دعوت»، «امر به معروف» و «نهی از منکر» از آن یاد کرده است، و آن را ضروری همه جوامع شمرده و می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر، ۲۴)؛ «هیچ جامعه‌ای نبوده مگر آنکه در میان‌شان بیم‌دهنده [مبلغی] بوده است».

پیامبران الهی و پیشوایان معصوم (ع) نیز تبلیغات را با اهمیت تلقی کرده‌اند؛ حضرت موسی (ع) وقتی که به پیامبری مبعوث شد، با اینکه دارای معجزات بود، از خداوند خواست برادرش را همراه او نماید؛ زیرا او برای تبلیغ، زبانی فصیح‌تر داشت (قصص، ۳۴). پیامبر اسلام (ص) بعد رحلت حضرت ابوطالب و خدیجه برای اینکه بتواند در مکه تبلیغ دین داشته باشد، در پناه یکی از شخصیت‌های بزرگ قریش، به نام «مطعم بن عدی» درآمد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، صص ۹۲ و ۹۳). مطعم که مدتی زمینه تبلیغ او را فراهم کرده بود، همیشه مورد احترام پیامبر (ص) بود. تا جایی که بعد از واقعه بدر فرمود: «اگر مطعم زنده بود و از من تقاضا می‌کرد که همه اسیران را آزاد کنم و یا به او ببخشم، من تقاضای او را رد نمی‌کردم» (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۵). علی (ع) در جنگ جمل حاضر شد برای تبلیغات قربانی بدهد، بنابراین قبل از شروع درگیری، از اصحابش خواست تا یکی قرآن را بردارد و در میان آن جماعت تبلیغ کند، حتی اگر دست راست او را قطع کردند، قرآن را به دست چپ گرفته تا پای جان به تبلیغ ادامه دهد. یکی از لشکریان داوطلب شد و در این راه شربت شهادت نوشید (طبری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، صص ۵۲۰-۵۲۲). در جنگ صفین نیز همین مسئله تکرار شد و جوانی به نام سعد برای این مأموریت تبلیغی پرخطر داوطلب شد، که سرانجام دشمنان با قطع کردن دستهایش او را به شهادت رساندند، سپس

درگیری آغاز شد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶ق، ج ۵، ص ۱۹۶).

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) علاوه بر تبلیغاتی که در مدینه، مکه و در تمامی طول مسیر حرکت، خود شخصاً انجام داد، حضرت مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و برادرش محمد حنفیه را در مدینه گذاشت و برای تبلیغات بعد از شهادت کاروان بزرگ اسرا را مأموریت داد. البته همین امر یکی از عوامل مهمی بود که قیام او را از تحریف دشمن حفظ و آن را جاودانی نمود (ر.ک: بهشتی، ۱۳۸۵ش).

ستمگران و جهان‌خواران نیز در طول تاریخ برای اقدامات ضد بشری و جنایت‌کارانه خود از این حربه بهره برده‌اند، و با تبلیغات سوء خود انبیا و اولیای پاک الهی را مورد حمله قرار داده‌اند. استکبار جهانی و هم‌پیمانانش در جنگ نرم علیه ارزشها، تمدنها، فرهنگها و نظامهای مردمی، از ابزار تبلیغ بسیار بهره جسته‌اند. آنان با استفاده از ابزار مدرن تبلیغی، ناممکنها را ممکن ساخته و حکومتها را ساقط می‌کنند. انقلابها را به شکست کشانده و افکار مسموم و فرهنگ غلط خویش را در روح و جان انسانهای ساده و ناآگاه تزریق می‌کنند و با تبلیغات زهر آگین، تهاجمها و شبیخونهای فرهنگی به راه انداخته‌اند و از ابزار تهمت، دروغ، فساد، توهین به مقدسات و هزار فجایع دیگر بهره جسته‌اند که یکی از آخرین نمونه‌ها آتش زدن قرآن کریم و توهین به ساحت قدس پیامبر اکرم (ص) است. خبرگزاریهای بزرگ جهان، سالانه میلیاردها دلار هزینه تبلیغات می‌کنند. امریکا در سالی که ۲۰۰ میلیارد برای بودجه نظامی پیش‌بینی کرده بود، ۹۰ میلیارد سرمایه‌گذاری را به امور تبلیغتی اختصاص می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۳). کارتر رئیس جمهور اسبق امریکا معتقد بود: «هر دلاری که برای تبلیغات مصرف شود، بهتر از ۱۰ دلاری است که برای تسلیحات مصرف شود» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۵/۲۰).

تام گوراس، رئیس کمیسیون مشورتی عمومی امریکا گفت: «رادیو آزادی و رادیو اروپای آزاد، تبلیغات زیادی علیه شوروی و اقمارش انجام دادند و همین امر سبب فروپاشی اروپای شرقی و کمونیسم شد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۵/۱۵).

الکساندر پرخانوف، از مشاهیر شوروی سابق، پیرامون نقش رسانه‌ها در فروپاشی شوروی اذعان می‌دارد: «غرب برای دستیابی به اهداف خود در شوروی، نیازمند تغییر عقاید و باورهای مردم شوروی بود. لازم نبود شوروی را با راکت و بمب اتمی به فروپاشی برساند، بلکه با تغییراتی که توسط رسانه‌های گروهی در عقاید و باورهای مردم به وجود آوردند، به این مهم نائل شدند» (رنجبران، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹).

قرآن کریم ضمن تجلیل از آنانی که بدون ترس از دشمن به تبلیغ دین الهی می‌پردازند (احزاب، ۳۹)، نسبت به تبلیغات دشمنان که ماسک طرف‌داری از حق و عدالت به چهره می‌زنند، هشدار می‌دهد (بقره، ۲۰۴ و ۲۰۵). همچنین از دوزخیان نقل می‌کند: «آنان علت اصلی جهنمی شدن خود را، تبلیغات منحرفان و دشمنان می‌شمارند» (اعراف، ۳۸؛ احزاب، ۶۷؛ فرقان، ۲۷-۲۹).

پیامبر اسلام (ص) نیز نسبت تبلیغات سوء دشمن حساس بوده و عکس‌العمل نشان می‌داد، در همین راستا به امر خداوند حتی مسجدی را که بنا بود پایگاه تبلیغات دشمن شود، به عنوان مسجد ضرار، ویران نمود (سید قطب، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۳۰۵).

امام خمینی (رض) می‌فرماید: «تبلیغات مسئله‌ای است پراهمیت و حساس؛ یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند، آن قدری که دشمنان ما از حربه تبلیغات استفاده می‌کنند، از طریق دیگر نمی‌کنند. ما باید به مسئله تبلیغات بسیار اهمیت دهیم و از همه چیزهایی که هست بیشتر به آن توجه کنیم» (خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۷، ص ۱۵۷).

پیامبر بزرگوار اسلام در جامعه‌ای که قرآن آن را «جاهلیت» خوانده، مسئولیت تبلیغ و هدایت به عهده گرفت؛ و در آن جهان پر از ظلم و تباهی، شیوه‌ای برای تبلیغات در پیش گرفت که تحولی بزرگ ایجاد کرد، قلبهای پراکنده را جمع و ارزشهای اسلامی را حاکم نمود و پایه‌های حاکمیت طاغوتها را سست و تمدنی جدید بر پایه تعالیم اسلام حاکم کرد. اما در تمام این تبلیغات شیوه‌های پاک و درستی به کار گرفت که نه تنها اقدامات او، بلکه نزدیکان او نیز در دام انحرافات تبلیغاتی نیافتادند (مأنده، ۸).

بنابراین ضرورت دارد که قواعد و روش تبلیغاتی آن حضرت بیشتر مورد توجه و مطالعه و بررسی قرار گیرد تا درسی برای جوامع اسلامی بلکه برای همه انسانهای آزاده جهان باشد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱).

* اسلوب تبلیغاتی پیامبر اکرم(ص)

با تحقیق در متون اسلامی، محورهای زیر را می‌توان به عنوان طریقه و اسلوب تبلیغاتی رسول گرامی اسلام(ص) ارائه نمود.

۱) هدف باوری

پیامبر اسلام(ص) با هدفی مقدس تبلیغ خود را آغاز نمود، و برای دستیابی به آن مقصد الهی، در هیچ شرایطی تردیدی به خود راه نداد. پیامبر خودش اولین مؤمن به اسلام و قرآن بود: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (بقره، ۲۸۵). آن حضرت در آغاز تبلیغ رسالت هدفش را برای مردم مشخص کرد و تا آخر نیز روی آن ایستاد. راه او کاملاً درست، حساب شده و الهی بود و به پیرویش که خدا به او وعده داده بود، کاملاً اطمینان داشت، و آن را با هیچ چیزی از مظاهر دنیایی قابل معاوضه نمی‌دانست، بنابراین در جواب قریش فرمود: اگر آفتاب را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید، دست از تبلیغ دینم بر نمی‌دارم (نصیری رضی، ۱۳۷۸ش، ص ۸۹).

در مقابل این روش، شیوه ستمگران و مستکبران دنیا قرار دارد که اهداف شوم خود را با عناوین مورد پسند می‌آریند (بقره، ۲۰۵). در این راه انواع تهمتها را به طرف مقابل روا می‌دانند، تا چهره نورانی و پاک مردان خدا دگرگونه جلوه دهند. به طور مثال تبلیغات بنی‌امیه در شام، کاری کرد که بعضی حضرت علی(ع) را اهل نماز نمی‌دانستند. در جنگ صفین جوانی از لشکریان شام به میدان آمد و شروع به فحش و ناسزاگویی نمود، «هاشم بن عتبّه» از یاران امیرالمؤمنین او را نصیحت کرد و فرمود: ای جوان! وراى این عالم حساب و کتابی است و باید حساب گفته‌هایت را پس بدهی، می‌دانی به چه شخصیت بزرگ اسلام ناسزا می‌گویی؟! جوان شامی گفت: «انى اقاتلكم لان صاحبكم لا یصلی و

انتم لا تصلون»؛ «من بدین جهت با شما می‌جنگم که شما و امیرتان نماز نمی‌خوانید» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۳۱۳). این نمونه‌ای از تبلیغات معاویه است بر علیه علی (ع) و یارانش گران قدرش. معاویه با تبلیغاتش چنین به مردم باورانده بود که او در پیشگاه الهی مقرب‌تر از پیامبر اسلام (ص) است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۷۲). مشابه و حتی بدتر و زشت‌تر از آن را امروز امریکا و همدستانش در دنیا انجام می‌دهند. به نام ایجاد دمکراسی و دفاع از آزادی و حقوق بشر لشکرکشی می‌کنند، در حالی که حقیقتاً در پی سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و تحمیل امیال و هواهای نفسانی خود هستند.

۲) پایداری و پشتکار

تبلیغ پیامبر اسلام (ص) با پشتکار و مداومت همراه بود، این خصوصیت سبب شد که فرمان «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ» (هود، ۱۱۲) را هرچند بسیار دشوار بود، به جان بخرد و در راه هدایت مردم همه سختیها را تحمل کند. آن حضرت این روحیه مقاومت را به همه مسلمانان منتقل کرد، طوری که بلالها و خبابها در زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها فریاد احد، بلند کردند و توطئه‌هایی چون حادثه «بئر معونه» و «رجیع»، آن حضرت و یارانش را از ادامه تبلیغ و فرستادن مبلغان منصرف نکرد (سبحانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۴۹۷-۵۰۳).

استقامت و صبوری پیامبر (ص) و یارانش در شعب ابوطالب و تبلیغات حساب شده آنان در فرصتهای مناسب، اراده مشرکان را متزلزل کرد، تا آنجا که اتحاد مشرکان - این دشمنان سرسخت - را درهم شکست، و چهره‌هایی چون هشام بن عمرو، زهیر بن ابی‌امیر، مطعم بن عدی و عده‌ای از شخصیت‌های قریش را بر آن داشت تا با ابوجهل و هم‌فکرانش که برای ادامه محاصره پافشاری می‌کردند، مقابله نموده و خواستار آزادی رابطه با بنی‌هاشم و مسلمانان شوند. این مقاومت و تبلیغ پیاپی مسئله را به سود پیامبر (ص) و یارانش به انجام رساند و طعم شیرین پیروزی را نصیب مسلمانان نمود (همان، ج ۲، صص ۲۸۵ و ۲۸۶).

۳) پیشگامی در عمل

قرآن کریم آنانی که به گفته‌های خود جامه عمل نمی‌پوشانند را مورد ملامت قرار

داده، می‌فرماید: «لَمَّ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲)؛ «چرا آنچه را که انجام نمی‌دهید بر زبان می‌رانید»، «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»، (بقره، ۴۴)؛ «آیا مردم را به نیکی می‌خوانید و خود را از یاد می‌برید». این شیوه عمل که در میان مستکبران در طول تاریخ وجود داشته است. شعار آزادی، دموکراسی، حقوق بشر که از آن دم می‌زنند، فقط حربه‌ای برای نابود کردن و ضربه زدن به مستضعفان است و گرنه خود به هیچ‌یک از آنها پایبند نیستند. از ویژگی‌های پیامبر(ص) این بود که خود بیش از دیگران به تعالیم دینی جامه عمل می‌پوشاند، اگر نماز شب را برای دیگران نافله می‌شمرد، برای خود همان نماز را فریضه می‌دانست. اگر خود خرما خورده بود، حتی کودک مریض را سفارش به ترک خوردن خرما نمی‌فرمود.

آنگاه که می‌خواست مردم را به نماز تشویق کند، خود به نماز می‌ایستاد و می‌فرمود: «صلوا کما رایتمونی اصلی» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۳، ص ۲۷۹)؛ «همان‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گذارم شما نماز بخوانید».

در تحمل مشکلات از همه مقاوم‌تر و در جنگ‌ها، وسط معرکه و پناهگاه مؤمنان و مجاهدان بود. علی(ع) می‌فرماید: «کُنَّا إِذَا احْمَرَّ البَأْسُ إِتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَلَئِنْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنَّا اقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ» (دستی، نهج البلاغه، ص ۶۹۰) «هرگاه آتش جنگ سخت شعله‌ور می‌شد، ما به رسول خدا(ص) پناه می‌بردیم و در آن ساعت هیچ‌کس از ما به دشمن نزدیک‌تر از او نبود». این نکته یکی از دلایل مهم تأثیرگذاری است.

۴) مدارا با مردم

از نکات بسیار مهمی که در هدایت و تبلیغات پیامبر(ص) وجود داشت و بسیار سبب تأثیرگذاری نقش‌آفرینی شد، نرمی و مدارا کردن آن حضرت بود. این ویژگی او را به کانون رحمت تبدیل کرده بود؛ تا آنجا که در روایات این ویژگی جزء صفات شاخص و سنن آن حضرت شمرده شده است (حرانی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۰۲، ح ۱). خداوندش به این صفت ستوده و آن را عامل موفقیتش شمرده است (آل عمران، ۱۵۹). حضرت همان‌گونه

که مکلف به واجبات بود، خود را مأمور به این صفت می‌دانست (کلینی، ۱۳۵۰ ش، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۴). تبلیغات آن حضرت همیشه همراه با این خصوصیت بود و هرگز از خشونت، شکنجه، قتل و غارت و ایجاد رعب و وحشت که شیوه استعمارگران است، بهره نگرفت و فرمود: «مداراة الناس نصف الايمان و الرفق نصف العيش» (همان، ح ۵)؛ «مدارا کردن با مردم نصف ایمان و مهر ورزیدن با مردم نصف زندگی است».

هرچند مدارا کردن امری ضروری است و ترک آن به ناهنجاری «خشونت» می‌انجامد؛ اما آنچه از سیره پیامبر(ص) و آیات قرآن استفاده می‌شود، مدارا در مسائل شخصی و نیز بعضی از مسائل اجتماعی است که در آنجا حقوق دیگران یا حدود و حریم الهی نادیده گرفته نمی‌شود، اما در جایی که پای ارزشهای اسلامی و مسائل اصولی دین، اجرای حدود و احکام الهی در میان باشد، پیامبر اسلام(ص) نرمش را کاملاً مذموم و ناروا می‌دانست. سهل‌انگاری و مسامحه در این صورت به پدیده‌ای مذموم به نام «ادهان و مداهنه» منجر می‌شود که مورد نهی شدید اسلام و خلاف سیره آن حضرت است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹ ص ۴۶۴؛ ج ۳۹، ص ۱۳۷).

خداوند به پیامبر اسلام(ص) در رابطه با کفار و منافقان دستور پیکار و خشونت داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَايَسَّرُ الْمَصِيرُ» (توبه، ۷۳)؛ «ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر، جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی است».

همچنین محبت نسبت به ستمگران را سبب آتش دانسته و می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود، ۱۱۳)؛ «به ستم پیشگان گرایش پیدا نکنید که آتش دوزخ شما را فرا خواهد گرفت». در روایت است که پیامبر(ص) برای خدا غضب می‌کرد، تا جایی که رنگ چهره‌اش تغییر می‌یافت (طبرسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۵۴). پیامبر اسلام(ص) در مواردی که تخلف مشاهده می‌کرد نه تنها مسامحه نمی‌فرمود، بلکه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۵) عشق به هدایت

از دیگر ویژگی تبلیغی آن حضرت، عشق به هدایت مردم بود و در این مسیر بسیار حرص می‌ورزید. حرص و تلاشی که سودش عاید دیگران می‌شد. در سخت‌ترین شرایط، برای نجات مردمش می‌کوشید، حتی اذیتها و آزارهایشان را حمل بر جهل نموده و به جای نفرین برای هدایتشان دعا می‌کرد. خداوند حضرتش را این‌گونه معرفی می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸)؛ «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است، او برای هدایت شما پافشاری می‌کند، او نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است».

آن قدر برای تبلیغ دین و هدایت مردم خود را به زحمت می‌انداخت که خداوند سبحان بر او ترحم نموده فرمود: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۶)؛ «گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک گردانی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند».

تبلیغات آن حضرت برای منافع شخصی نبود، او مردم را برای خود نمی‌خواست، از گمراهی مردم رنج می‌برد؛ زیرا آنها را در آتش می‌دید، حریص و عاشق هدایت مردم بود. بنابراین به دستور قرآن اعلان کرد: «از شما اجر و مزدی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم، و همین محبت نیز برای شما سودمند است» (شورا، ۲۳). اما در جامعه بشری نه تنها برای جلب منافع شخصی و گروهی به تبلیغات می‌پردازند، چه بسا برای آن جنگها و کشتار بزرگ به راه می‌اندازند.

۶) فرصت‌شناسی

در امر تبلیغ غنیمت شمردن فرصتها امری ضروری است، پیامبر(ص) برای پیشبرد اهداف خود، همه فرصتها و ظرفیتهای موجود را شناسایی و استفاده می‌کرد و از همه امکانات مشروع بهره می‌برد. در ایامی که در شعب ابی‌طالب محاصره بودند، از فرصت ماههای حرام و حضور زائران کعبه استفاده می‌کرد و در جمع مردم حاضر می‌شد و به

تبلیغ می‌پرداخت و مردم را به اسلام دعوت می‌نمود، که این امر در گرایش مردم به اسلام و شکسته شدن محاصره نقشی اساسی داشت.

آنگاه که در طائف در پی آزار جاهلان به گوشه تاکستانی پناه برده بود، غلامی به نام «عداس» برایش طبق انگوری آورد، چون در او زمینه هدایت دید، فرصت را مغتنم شمرد و او را به اسلام دعوت کرد (شهیدی، ۱۳۷۲ش، ص ۵۴).

وقتی که وارد مدینه شد یهودیان را نیز به همکاری در امر دفاع از مدینه فرا خواند و برای تحکیم قدرت و حکومت اسلام از آنها استفاده کرد و قراردادی که برای وحدت مهاجران و انصار نوشت، یهودیان مدینه نیز آن را امضا کردند (سبحانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۶).

ناگفته نماند فرصت‌شناسی غیر فرصت‌طلبی نکویده‌ای است که مستکبران بلکه بسیاری از دنیاطلبان بی‌مسئولیت دارند؛ زیرا پیامبر(ص) هرگز از ابزار و شرایط منفی بهره نمی‌گرفت. از آن جمله هنگامی که در وقت مرگ فرزندش آفتاب گرفت، بعضی پنداشتند این حادثه به پاس همدردی با حضرتش پدید آمده است، اما حضرت ارتباط بین این دو را قاطعانه رد کرد و فرمود: خسوف و کسوف از آیات الهی است.

۷) مخاطب‌شناسی

یکی از نکات مهم در تبلیغ این است که مبلغ در تبلیغات خود وجدان خفته و غبار گرفته انسانها را بیدار کند و آنان را به درک حقایق و شناخت واقعیات رهنمون سازد (بابازاده، ۱۳۸۲ش، ص ۶۷).

پیامبر اسلام(ص) با شناخت کامل مخاطبان، برای هدایت آنها شیوه‌های متفاوتی به کار می‌گرفت، که خود فرمود: «انا معاشر الانبیا امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم» (کلینی، ۱۳۵۰ش، ج ۱، ص ۲۷)؛ «ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان [در سطح فهم آنان] سخن بگوییم».

با توجه به اعمال این تاکتیک بود که توانست ویژگیهای گروههای مختلف یهود مدینه

را شناسایی نموده و جداگانه با هر گروه قرارداد امضا کند، به نحوی با آنها صحبت نماید که وحدت یهودیان را بر هم زند. این روش سبب شد، در جنگ‌هایی که هر یک از گروه‌های یهود با آن حضرت داشتند، تنها بمانند. تاریخ نشان داده که هر گروه به تنهایی و در زمان خاصی جنگ را آغاز کردند و کمتر توانستند با هم متحد شده و به یک قدرت بزرگ تبدیل شوند و برای حکومت پیامبر در دسرساز شوند. از طرفی پیامبر (ص) با تبلیغات صحیح خود بعضی چهره‌های یهود که زمینه هدایت در آنها وجود داشت، شناسایی نمود و با تبلیغات، آنها را به اسلام متمایل ساخت تا آنجا که شخصی مانند «مخریق» اسلام آورد و در جنگ بدر در رکاب آن حضرت شهید شد و وصیت نمود همه دارایی‌اش در اختیار پیامبر (ص) قرار گیرد (ابن‌هشام، ۱۳۵۵ق، ج ۳، ص ۵۱). یا وقتی که جوانی آلوده به گناه فحشا را مراجعه می‌کند، در کنار خشم اصحاب، حضرت با خونسردی کامل، حس غیرت او را تحریک نموده و او را از این کار باز می‌دارد؛ جوان بعد از شنیدن سخنان حضرت گفت: «یا رسول الله تاکنون «زنا» برای من شیرین‌ترین چیزها بود، ولی اکنون منفورترین عمل در چشم من می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۲ش، ج ۳، ص ۴۲). مراعات این خصوصیت ضمن اینکه مقاومت و موضع‌گیری افراد را کاهش می‌داد، تأثیرگذاری سخنان حضرت را نیز زیاد می‌کرد.

۸) زمینه‌سازی

از نکاتی که آن حضرت در هدایت مورد توجه قرار می‌داد، زمینه‌سازی برای اهداف مورد نظر بود؛ چه اینکه با وجود انکار و موضع‌گیری ذهنی شنونده، هر نوع اقدام هدایتی و تبلیغی با مقاومت مواجه شده و نتیجه عکس می‌دهد؛ بنابراین حضرت قبل هر تبلیغی ظرفیت‌سازی نموده و زمینه هدایت را آماده می‌کرد. در همین راستا به امر الهی سه سال به صورت مخفی به سراغ افراد مستعد رفت تا ضمن اینکه یارانی گرد می‌آورد، افکار را نیز آماده کند؛ هنگامی که زمینه در حد ضرورت مستعد شد و امر خداوند رسید، حضرت دعوتش را علنی ساخت. البته شیوه قرآن کریم نیز چنین است، در موارد خاص احکام تدریجی نازل شده است، مثلاً حکم شراب در پنج مرحله نازل شد (ر.ک: قربانی لاهیجی،

۱۳۸۳ش، ج ۱۱، صص ۴۲-۴۵). حتی در اعلان حکم بعضی احکام مانند حرمت شراب، به دستور خداوند تدریجی عمل نمود؛ زیرا این ماده خطرناک با گوشت و پوست مردم عجین شده و تقریباً یک آشامیدنی عمومی بود، برای اعلان و اجرای این حکم زمینه‌سازی و آماده کردن محیط ضرورت داشت، پیامبر اکرم به شیوه‌ای عمل کرد که شراب به طور کلی از زندگی مردم دور شد و مورد نفرت قرار گرفت و تا آنجا که فرهنگ عمومی شلاق زدن به شارب‌الخمیر را به خوبی پذیرفت.

۹) نمایش زیباییها

روشی که خداوند برای دعوت، فرا راه پیامبرش قرار داد، استفاده از حکمت و موعظه حسنه و جدال نیکو است (نحل، ۱۲۵). رسول خدا(ص) براساس این دستور عمل کرد و با اخلاق پسندیده‌ای که داشت، چهره زیبای تعالیم اسلام را به مردم نشان داد. مخالفتش موانع زیادی برای او پیش آوردند و از توهین و اذیت و آزار چیزی کم نگذاشتند، اما آن حضرت یک لحظه به فکر انتقام نیافتاد و بر مردم غضب نکرد، نفرین نمود، بلکه سخنش این بود: «اللهم اغفر لقومی بانهم لا یعلمون» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۸، ص ۱۶۷)؛ «پروردگارا! از مردمم درگذر که آنها دانش کافی ندارند».

در فتح مکه، در آن لحظه که سپاهیان مکه را - شهری که بیش از ۱۳ سال او و یارانش را شکنجه داده و آواره کرده‌اند - به تصرف درآوردند، بر مسند قدرت تکیه زده، کنار کعبه می‌ایستند و در حالی که ده هزار شمشیر تشنه انتقام از قریش پیرامونش برق می‌زند و بر ابوسفیان، هند، عکرمه و دیگر قیافه‌هایی که یاد آور شکنجه‌ها، توطئه‌ها، تبعیدها و مرگ جانخراش عزیزان اویند می‌نگرند، و حتی «سعد ابن عباد» فریاد زد: «الیوم یوم الملحمه» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۴۶)؛ «امروز روز انتقام است»، اما حضرت از این دشمنان شکست خورده می‌پرسد: ای قریش! فکر می‌کنید با شما چه خواهیم کرد؟ قریش براساس شناختی که از آن حضرت دارند بهت زده و حیران و بیمناک، همگی با صدایی لرزان و شکسته، روی سوابق عواطف و بزرگواری که از آن حضرتشان

داشتند، گفتند: «ما جز خوبی و نیکی چیزی درباره تو نمی‌اندیشیم، تو را برادر بزرگوار خویش و فرزند برادر بزرگوار خود می‌دانیم».

پیامبر فرمود: من نیز جمله‌ای که یوسف به برادران خود گفت، می‌گویم: «لا تشریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین» (سبحانی، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۹)؛ «امروز بر شما ملامتی نیست، خداوند گناهان شما را می‌آمرزد. او ارحم الراحمین است» و به همه عفو عمومی داد و فرمود: «اذهبوا انتم الطلقاء»؛ «بروید دنبال زندگی خود همه شماها آزادید» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۴۶).

۱۰) بصیرت‌افزایی

شعار اصلی قرآن این است: «در گرایش مردم به دین اجباری نیست؛ زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست مشخص شده است» (بقره، ۲۵۶). «ما راه درست را به او [انسان] نشان دادیم، اوست که مؤمن می‌شود یا ناسپاسی می‌کند» (انسان، ۳).

شیوه پیامبر(ص) این بود که موانع گرایش به دین را برمی‌داشت، تا مردم آزاد باشند، آنگاه با تبلیغات به مردم آگاهی می‌بخشید، تا آنها با بصیرت راه حق را برگزینند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ» (یوسف، ۱۰۸)؛ «ای پیامبر! بگو این راه من است که با بصیرت شما را به آن می‌خوانم». اگر کافری نیاز به مطالعه و تحقیق داشت به او امان می‌داد تا با خیال راحت کلام حق را بشنود و بعد از فکر و مطالعه، بین اسلام و کفر هر کدام را که حق تشخیص می‌دهد برگزیند. حتی اگر متقاعد نشد و در کفرش باقی ماند فرصت بدهید. در قرآن آمده است: «اگر یکی از مشرکان خواست کلام حق را بشنود، به او امان بدهید و سپس چه پذیرفت و چه استنکاف کرد، او را به مکان امن برگردانید» (توبه، ۶). این آیات اساس سبک پیامبر(ص) بود، کار او نشر دانش و بصیرت‌افزایی بود. این طریقه را حتی برای سخت‌ترین دشمنان نیز معمول می‌داشت.

صفوان بن امیه یکی از خشن‌ترین دشمنان پیامبر اسلام است، او در بر افروخته شدن آتش جنگها علیه مسلمانان نقش اساسی داشت. در مقابل چشمان مردم مسلمانی را به دار

آویخت. او جزء ده نفری بود که از عفو عمومی استثنا شده بود؛ بنابراین از مکه گریخت و به طائف رفت. پسر عموی صفوان از پیامبر تقاضای عفو نمود و مورد قبول آن حضرت قرار گرفت. او با سابقه‌ای که داشت چنین کرامت و بزرگواری را باور نمی‌کرد. رسول خدا عمامه یا پیراهنی برای او فرستاد تا مطمئن شده به مکه برگشت و گفت: دو ماه مهلت می‌خواهم که تحقیق کنم، اگر اسلام بر حق بود ایمان می‌آورم؛ رسول خدا فرمود: به تو چهار ماه مهلت دادم. صفوان گفت: این شیوه تبلیغ و هدایت، شیوه پیامبران الهی است؛ شهادتین گفت و مسلمان شد (واقعی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۸۵۳).

در مقابل آن روش طاغوتها و شیاطین قرار دارد، که راه مطالعه و تحقیق را عملاً می‌بندند و با غرق کردن افراد در شهوات و محاصره تبلیغاتی، آن چنان آدمی را در غفلت قرار می‌دهند، که هیچ قدرت تفکر و تشخیص نداشته باشد و از راه فریب و اعلان شعارهای به ظاهر زیبا و فریبنده، که هیچ واقعیتی در پس آن نیست، آرمانهای خود را بر آنان تحمیل کنند.

۱۱) تکریم مخاطبان

افرادی که تمام خصوصیات آنها پسندیده و از نقاط منفی کاملاً میرا باشند - در غیر معصومان (ع) - کمیاب بلکه نایابند. انسانها معمولاً در کنار نقاط مثبت و سجایای اخلاقی، از نقاط منفی و خصلتهای ناپسند کاملاً بری نیستند. یک راهنما و معلم وقتی موفق است که بعد مثبت افراد را شناسایی و مطرح کند تا با همراه خود نمودن متعلم، گلهای هدایت و دانش را در او شکوفا کند.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در کار تبلیغ دین و دعوت مردم از اشاره به نقاط ضعف و تحریک احساسات پرهیز می‌کرد؛ با انگشت گذاشتن روی نقاط مثبت، زمینه همراهی آنان را فراهم می‌نمود و از آن به خوبی بهره‌برداری می‌کرد. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌گردد:

الف) خانواده حاتم طائی بت پرست بودند، در مقابل اسلام ایستادند، عدی بن حاتم شکست خورد و به شام گریخت و خواهرش اسیر شد. او را به مدینه آوردند. روزی این

زنِ اسیر خود را به پیامبر(ص) معرفی و از اوصاف نیک پدرش یاد کرد و گفت: پدرم به درماندگان رسیدگی می‌کرد و از گرفتاران رفع گرفتاری می‌نمود. آن حضرت بدون اینکه مقاومت آنها را در برابر اسلام را به رخ بکشد، یا بت پرستی و اشکالات دیگرشان را مطرح کند، این بعد مثبت را ستود و به پاس آن دستور آزادی او را صادر کرد؛ وقتی که این خبر به برادرش رسید که رهبر جهان اسلام، پدرش را ستوده و بر کار نیک او حرمت نهاده است، تسلیم شد و اسلام آورد و در خدمت اسلام قرار گرفت.

ب) چند نفر از یمن آمدند و با پیامبر(ص) روی سخن گشودند. یکی از آنها خیلی هتاک بود و تند صحبت می‌کرد؛ به طوری که پیامبر(ص) را ناراحت کرد، تا آنجا که عرق خشم بر پیشانی او نشست؛ در این حال جبرئیل امین نازل شد و خبر از سخاوت و بخشندگی او داد. پیامبر(ص) نیز روی آن تکیه کرد و این صفت او را ستود و آن را وسیله نجات او معرفی کرد. مرد یمنی وقتی که با همه هتاک، دید خوبیها در پیشگاه آن حضرت حتی از دشمن هتاک نادیده گرفته نمی‌شود، بلافاصله شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت آن حضرت داد و مسلمان شد (کلینی، ۱۳۵۰ش، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵).

ج) عمر از چهره‌های خشن و مخالف رسول خدا(ص) بود، به طوری که یک بار تصمیم گرفت آن حضرت را به قتل برساند. در علت مسلمان شدنش نوشته‌اند: «چون خباب بن ارت به او خبر داد که پیامبر اکرم(ص) حضور او را در جمع مسلمانان خبر داده و مسلمان شدنش را سبب تقویت اسلام دانسته و جایگاه صلابت او را ستوده است؛ به اسلام گروید و از صف مخالفان تند، به صف مدافعان پیوست و رسماً اعلام اسلام نمود (شهیدی، ۱۳۷۲ش، ص ۵۲).

۱۲) به کار گرفتن نیروهای شایسته

رسول گرامی اسلام(ص) با توجه به خوش‌بینی و نظر لطف و رحمتی که به مردم داشت، همه را مورد عنایت قرار می‌داد - که در عنوان پیشین به آن اشاره شد - اما این امر سبب نمی‌شد که در واگذاری مسئولیتها دقت و وسواس لازم را به خرج ندهد و هر

کسی را به هر کاری بگمارد، بلکه به شایستگی و توان نیروها دقت کافی داشت، هرچند در این راستا باورهای قومی و قبیله‌ای نادیده گرفته شده و موجب اعتراض واقع شود. آنگاه که پیامبر اعظم (ص) مکه را فتح کرد و کارهای اولیه را سامان داد، خواست عازم جنگ حنین شود، عتاب بن اسید که جوان هیجده ساله را که از هر جهت شایسته بود برگزید و به فرمانداری مکه منصوب نمود؛ حضرت در این انتخاب، شایستگی را ملاک عمل قرار داده بود، نه سالمندی و ریاست قبیله و یا دیگر امتیازات جاهلی را؛ بنابراین از سوی عده‌ای مورد اعتراض واقع شد و حضرت ضمن بیان صلاحیت و شایستگی عتاب برای این امر، فرمودند: «و لا یحتج محتج منکم فی مخالفتہ بصغر سنہ، فلیس الاکبر هو الافضل، بل الافضل هو اکبر» «هیچ‌یک از شما جوان بودن او را نمی‌تواند بهانه مخالفت قرار دهد؛ زیرا هرکس که سالمندتر باشد، برتر نیست بلکه آنکه از دیگران برتر و با فضیلت‌تر باشد، بزرگ‌تر خواهد بود (التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (ع)، ص ۵۵۷).

پیامبر اکرم (ص) در رابطه با صلاحیت و توان مبلغان هیچ مسامحه و گذشتی روا نمی‌دانست. او به افرادی که صلاحیت کاری نداشتند، مسئولیت واگذار نمی‌کرد، هرچند آدم‌های خوب و یاران نزدیک آن حضرت بودند. یکی از این نمونه‌ها حضرت ابوذر است؛ هرچند او از یاران وفادار پیامبر (ص) و از جهت زهد و صداقت مورد تأیید آن حضرت است و معدود چهره‌هایی از جهت ارزشی با او قابل رقابت هستند، ولی با این حال وقتی سخن از مسئولیت می‌شود، نه تنها پیامبر (ص) به او مسئولیتی واگذار نمی‌کند، بلکه ضعف او را با صراحت اعلام نموده می‌فرماید: «انی اراک ضعیفا فلا تامرون علی اثنین و لا تولین مال الیتیم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۴)؛ «من تو را در کار اجرایی ضعیف می‌بینم، بنابراین تو نباید فرماندهی و ریاست را حتی بر دو نفر بپذیری و یا تولیت مال یتیم را به عهده بگیری».

امر تبلیغ را نیز به افراد شایسته و دارای صلاحیت واگذار می‌کرد، از این رو برای تبلیغ در مدینه مصعب را که شخصی خوش‌بین، خوش‌چهره، مطلع، عالم به احکام دین و از خانواده‌ای اصیل و با فرهنگ بود برگزید و برای یمن مولای متقیان علی (ع) و در حبشه

جعفر بن ابی طالب از اسلام و قرآن دفاع می‌کرد.

نکته قابل توجه اینکه عتاب با همه شایستگی که برای فرمانداری و مدیریت دارد، شاید برای تبلیغ کارآیی او کم است، بنابراین آن حضرت برای آموزش قرآن و بیان فقه معاذ بن جبل را برمی‌گزیند.

در مواردی نیز برای تعیین مبلغ شایسته، وحی به کمکش می‌آمد، مانند ابلاغ سوره براءت به مشرکین مکه. در آغاز ابوبکر مأموریت یافت، ولی قبل از ابلاغ فرشته وحی نازل شد، بعد دستور توقف این مأموریت، گفت: «انه لا یودی عنک الا انت او علی» «این ابلاغ را کسی جز تو یا علی نباید انجام دهد». که حضرت مأموریت ابوبکر را لغو و علی (ع) را مأمور ابلاغ سوره براءت نمود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۶).

* نتیجه

از این پژوهش به دست آمد که پیامبر اسلام (ص) برای تبلیغات شیوه جدیدی ابداع کرد، که در موارد بسیاری با روشهای متداول در جامعه متفاوت بوده است؛ تبلیغات مستکبران و شیاطین عالم، معمولاً با بی‌اعتنایی به خواست واقعی و فطری مردم همراه است. آدمیان را از نور فطرت به ظلمت و تاریکیهای جهل و غفلت و انحراف می‌کشاند که این اعمال، هرگز مورد تأیید یا پیروی نبی مکرم اسلام (ص) نبوده است. اما پیامبر اسلام (ص) با شیوه‌ای الهام گرفته از تعالیم و حیانی در دلها نفوذ نمود و جامعه جاهلی عربستان را متحول کرد، تمدنی نو بنا نهاد و تعلیمات حیات‌بخش خود را در بخش وسیعی از جهان آن روز گستراند و آن را جاودانه ساخت. اسلوبی را با زیربنای الهی و همساز با کرامت انسانی در پیش روی بشریت نهادند و به بشریت خاصه مسلمانان آموخت که می‌توانند با بهره‌گیری از این شیوه و نوآوریهای لازم به تبلیغ دین و حقانیت و عدالت و آزادی بپردازند و هیچ نیازی به بهره‌گیری از شیطنتها و اعمال خلاف عقل شرع که دیکته شده شیاطین و شیوه مستکبران عالم است ندارند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن هشام، السیره النبویه، مصر، مطبعه المصطفی، ۱۳۵۵ق.
۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹ش.
۷. بابازاده، علی اکبر، شیوه‌های تعلیم و تبلیغ، قم، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۲ش.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۹. بهشتی، ابوالفضل، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۱۰. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری(ع)، نرم افزار نور.
۱۱. حرانی، ابومحمد، تحف العقول، ترجمه صادق زاده، قم، انتشارات آل علی، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش.
۱۲. رنجبران، داود، جنگ نرم، تهران، ساحل اندیشه، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ش.
۱۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۵/۱۵.
۱۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۵/۲۰.
۱۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، بی تا.
۱۶. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۲ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، تحقیق علاء آل جعفر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۸. طبری، ابی جعفر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
۱۹. قرائتی، محسن، قرآن و تبلیغ، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش.
۲۰. قربانی لاهیجی، زین العابدین، آیات الاحکام، تهران، نشر سایه، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۱. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۲ش.
۲۵. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلامی، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در دانشگاهها، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۲۶. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.